یادداشت

شیطان در جزئیات است

ادامه از صفحه اول

در این زمینه حداقل سه مشکل قابل ذکر است:

الف- یکی از این مشکلات محدودشدن اختیارات رئیس‌جمهور آمریکا برای تعلیق تحریم‌های کنگره است که در هر قانون تحریم به رئیس‌جمهور داده می‌شود. پس از تعلیق تحریم‌های ایران از سوی اوباما درباره برجام و به‌ویژه بعد از علاقه‌ای که ترامپ نسبت به پوتین نشان داد و کنگره را نگران تعلیق تحریم‌ها علیه روسیه کرد، کنگره در قانون کاتسا (آگوست ۲۰۱۷) محدودیت‌هایی را بر اختیار تعلیق رئیس‌جمهور اعمال کرد. این محدودیت‌ها شامل لزوم ارائه گزارش پیشینی به کنگره درباره تعلیق در دست اقدام، دادن فرصت ۳۰روزه به کنگره برای بررسی قصد رئیس‌جمهور و ارائه گزارش دوره‌ای بعد از تعلیق با هدف تأیید پایبندی کشور مربوطه به شرایط مربوطه (درباره ایران مثل حمایت‌نکردن از تروریسم و توسعه‌ندادن هسته‌ای و برنامه موشکی بالستیک) است. الزام به ارائه چنین تأییدیه‌ای طبعا کار را برای قوه مجریه برای مذاکره یک توافق و اعطای سریع و گسترده معافیت‌ها سخت‌تر می‌کند. به‌این‌ترتیب اولا نقش کنگره در سیاست‌گذاری درباره ایران در قیاس با دوره برجام ۹۴ بیشتر شده و امکان اینکه رئیس‌جمهور به طور یک‌طرفه بتواند برخی تحریم‌ها را تعلیق یا کم کند، محدود شده است. همچنین با توجه به مفاد کاتسا، امکان کنگره برای اعاده تحریم‌های تعلیق‌شده افزایش یافته و از این نظر نبود قطعیت در دوره جدید بیشتر از گذشته شده است. ثانیا این امر می‌تواند مزید بر ادامه تحریم‌های غیرهسته‌ای که تعلیق نمی‌شوند، باشد و موجباب تردید مضاعف برای شرکت‌ها و بانک‌های بین‌المللی و نیز شماری از کشورها برای کار اقتصادی با ایران را فراهم کند.

ب- مشکل دیگر تحریم مضاعف یا dual designations است. توضیح اینکه برخی از تحریم‌ها که در دوره برجام ۹۴ تنها به بهانه هسته‌ای اعمال شده بود، در مدت ۱۰ سال گذشته به بهانه‌های دیگر هم متکی شد. مثلا بانک مرکزی که بدوا ذیل قانون CISADA و Iran threat reduction and ... و... به بهانه رابطه مالی بانک مرکزی با سازمان انرژی اتمی و... اعمال شده بود، بعدا ذیل قانون CAATSA مجددا به‌عنوان حامی تروریسم و کمک به سپاه هم تحریم شد. همچنین خزانه‌داری در ۲۰۱۹ بانک مرکزی را به بهانه کمک به نیروی قدس و سپاه ذیل فرمان اجرائی مربوط به تروریسم قرار داد. این یعنی اینکه اگر مطابق فرمول برجام قرار به تعلیق تحریم‌های هسته‌ای باشد، معلوم نیست این بار قبول کنند که بانک مرکزی نیز مشمول این تعلیق قرار گیرد. البته ذیل برجام به صورت موردی برخی از نهادها و اشخاص ایرانی که به صورت مضاعف تحت تحریم بودند، مشمول تعلیق تحریم شدند. این بار با توجه به اینکه قضیه برای ترامپ جنبه حیثیتی هم دارد، باید دید که این کار تا چه حد می‌تواند پیش برود.

ج- مشکل دیگر اعمال برخی تحریم‌های جدید یا تشدید تحریم‌های قدیم در مدت ۱۰ سال گذشته است که از آن جمله می‌توان به تحریم رهبری و بیت رهبری و نیز قراردادن سپاه در فهرست «سازمان‌های خارجی تروریستی» اشاره کرد. اگرچه قبلا سپاه و سپاه قدس به‌عنوان حامی تروریسم مشمول تحریم‌های جامع اقتصادی قرار گرفته بودند، اما یکی از اهداف دولت اول ترامپ در قراردادن سپاه در این فهرست، دشوارکردن احیای برجام بود. افراطیون تیم ترامپ مانند پمپئو و بولتون امیدوار بودند از این طریق و ربط آن به حقوق بشر و برنامه موشکی، تحریم‌ها را برگشت‌ناپذیر کنند. قبلا قانون CISADA ۲۰۱۰ ضمن اعمال طیف کاملی از تحریم‌ها علیه سپاه، اشخاص حقیقی و حقوقی آمریکایی و غیرآمریکایی را از کار مستقیم و غیرمستقیم با سپاه و «همه اعضا و مرتبطان با آن» منع کرده بود. این ابزارهای حقوقی به این بهانه که مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران نیستند، در زمره فرمان‌های اجرائی لغو شده و قوانین تعلیق‌شده در پی برجام ۹۴ قرار نگرفتند. در اکتبر ۲۰۱۷ و پیرو مطالبه قانون کاتسا، سپاه تحت فرمان اجرائی ۱۳۲۲۴ ترامپ که مربوط به فعالیت‌های تروریستی است، قرار گرفت. در نتیجه این اقدام، عنوان اختصاری SDGT (تعیین‌شده به طور ویژه به‌عنوان تروریست جهانی) نیز در برابر نام سپاه در فهرست SDNs اضافه شد. این عنوان به عناوین NPWMD, IFSR, IRAN-HR, HRIT-IR که از قبل در برابر نام سپاه در فهرست یادشده قرار داشت و هریک معرف یکی از قوانین مربوطه است، اضافه شد. مشکل دیگر هشدار آمریکا به شرکت‌های خارجی برای اعمال «حداکثر دقت لازم» برای اجتناب از کار با شرکت‌هایی است که ۵۰ درصد سهام‌شان یا بیشتر تحت کنترل سپاه است. احراز این امر برعهده شرکت‌های خارجی قرار داده شده و این چون کار بسیار دشوار و پرمخاطره‌ای برای این شرکت‌ها است، موجب شد تا بسیاری از آنها اساسا از کار با ایران منصرف شوند. از آنجا که ادعا شده صدها شرکت تحت اداره یا مرتبط با سپاه وجود دارد، این یکی از عواملی بود که کار شرکت‌ها و بانک‌های خارجی با ایران بعد از برجام ۹۴ را دشوار کرد.

حقیقت ساده

ادامه از صفحه اول

تحلیلی که مورد اجماع و تفاهم تصمیم‌گیران و بازیگران اصلی و مهم نظام حکمرانی باشد تا براساس‌آن بتوان چارچوب نظری، نقشه راه و سیاست‌ها و اقدامات ضروری برای گذار بلندمدت از بی‌ثباتی فعلی به سمت توسعه‌ای پایدار را از درون آن استخراج کرد؟! نظام حکمرانی در این چند دهه با وجود تدوین و تصویب انواع منشورها و افق‌ها و سیاست‌های کلان و برنامه‌ها و قوانین و... نه‌فقط موفق به تخفیف دردها نشده، از دولت سازندگی و اصلاحات تا مهرورزی و تدبیر و امید و دولت خدمتگزار و وفاق، هریک به نسبتی و درجاتی! علت این واماندگی را شاید بتوان غیبت نظریه کلان و راهبردی مبتنی بر منطق «آزادی» در همه این دوره‌ها و قبل‌تر از آن دانست، «توسعه به‌مثابه آزادی» و حذف ناآزادی‌ها و افزایش دامنه حقوق و انتخاب شهروندان؛ اما آنچه همواره حی و حاضر و غالب بوده، نظریات سلبی و جمع‌گرایانه‌ای در تضاد و تخالف با این و آن بوده است. این در حالی است که مجموعه برنامه‌ها و سیاست‌های خرد و کلان کشور پر بوده است از انواع هدف‌گذاری‌ها برای رشد و بهره‌وری و سرمایه‌گذاری و تولید و... که تحقق همه آنها در گرو وجود آزادی و رقابت و سازمان‌دهی و تشکل‌یابی و... است. این فقدان بنیان نظری توسعه در نظام حکمرانی، پادرهوایی و بلاتکلیفی را سبب شده که نتیجه‌ای جز شعارزدگی یا رؤیابافی به ارمغان نیاورده و نخواهد آورد. چنان‌که درباره مذاکرات اخیر از یک سو با این نوع خودبزرگ‌بینی‌ها مواجهیم که: «... ایران نشان داده است نه‌فقط بدون رابطه با آمریکا، بلکه در حال تخاصم و دشمنی با آمریکا می‌توان بزرگ‌ترین قدرت نظامی و تکنولوژیک منطقه بود...» (کیهان- ۱/۳۰) و از سوی دیگر این خیال‌بافی‌ها که «وجود دوهزارو ۵۰۰ میلیارد دلار پروژه آماده و روی میز برای سرمایه‌گذاری آمریکا وجود دارد» (دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی – ۱/۲۳) یا «برآوردها از اینکه اقتصاد ایران درحال‌حاضر می‌تواند پذیرای هزار میلیارد دلار قرارداد کوتاه‌مدت تا بلندمدت باشد» (عصر ایران- ۱۴۰۴/۰۱/۳۰) و... وقتی امر خطیر توسعه به سرمایه و ماشین‌آلات و تجهیزات فروکاهش می‌یابد و از ضرورت‌های بنیادینی مانند: حقوق مالکیت و عقل‌گرایی و آزادی و رقابت اقتصادی و آزادی بیان و... به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی هر تحول توسعه‌ای غفلت می‌شود، شکست یا کاریکاتوریزه شدن هر پروژه‌ای چیز عجیبی نیست. چنان‌که هرگاه شفافیتی در کار نباشد، هرگونه پول‌پاشی و بده‌بستانی را می‌توان حرکت توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری و... نام نهاد «تفاهم‌نامه‌های سرمایه‌گذاری ۷۵۰ میلیون‌دلاری در صنعت ریلی امضا شد» (کیهان- ۱۴۰۴/۰۲/۰۱) و «ریلی برای اعتماد» (جوان- ۱۴۰۴/۰۲/۰۱) و «ریل‌گذاری ۶۴ همتی بخش خصوصی» (اعتماد- ۱۴۰۴/۰۲/۰۱).

توافق با آمریکا اگر پس از گذر از هزاران هزار پیچ خطر و احتمال و... بخواهد نتیجه‌ای بلندمدت و نه گشایشی موقتی و موضعی برای این مردم و سرزمین به ارمغان بیاورد، باید با تجدیدنظر اساسی دولت در نگرش به وظایف و مسئولیت‌های خود درباره جامعه و جهان اطراف و پذیرش اصولی باشد که ضمن ایجاد دولت مقتدر، جامعه قوی و قدرتمند را نیز سامان دهد؛ چارچوبی که به گفته «ماریو بارگاس یوسا»، نویسنده شهیر، آزادی‌خواهی (لیبرالیسم) نام دارد و «موجب بیشترین پیشرفت حقوق بشر، آزادی بیان، حقوق اقلیت‌های مختلف، دفاع از محیط زیست و شراکت شهروندان عادی در زندگی سیاسی و اجتماعی شده است» (ندای قبیله). حقایقی ساده که نمی‌خواهند آنها را واقعیت بپنداریم!

میراث پاپ اصلاح‌گرا: مدیریت متناقض، کلیسای دوقطبی و واتیکان بحران‌زده

پایان عصر فرانسیس

شرق: پاپ‌های عصر مدرن، چه خوب و چه بد، معمولا با عبارات کوتاه و جذابشان در یادها می‌مانند. ندای رسای ژان پل دوم که می‌گفت «نترسید»، به نمادی از دعوت او از کاتولیک‌های جوان برای پذیرش ایمانشان و فراخوانی برای ایستادگی غرب علیه شبح کمونیسم جهانی تبدیل شد. دوران برجسته الهیاتی بندیکت شانزدهم و دوره پاپی او که الگویی از یک کشیش-استاد بود، در آن جمله ساده‌اش خلاصه می‌شود: Deus caritas est (خدا عشق است).

برای فرانسیس که در ۸۸سالگی درگذشته است، جهان احتمالا -دست‌کم در هفته‌های نخست پس از مرگش- او را با آن شعار اغلب نقل‌شده، اما غالبا تحریف‌شده‌اش به یاد خواهد آورد: «من کیستم که قضاوت کنم؟». این عبارت که در یکی از گفت‌وگوهای مطبوعاتی همیشگی‌اش در هواپیما و در پاسخ به سؤالی درباره روحانیون همجنس‌گرایی بیان شد که می‌کوشیدند خدمت روحانی و زندگی خود را منطبق بر آموزه‌های کلیسا درباره تمایلات جنسی انسانی پیش ببرند، به نمادی اختصاری برای پاپی بدل شد که بیش از هرچیز به استقبالی رادیکال و بدون قید و شرط متعهد بود و رسانه‌ها او را «پاپ شورای واتیکان دوم» نامیدند؛ پاپی که درهای کلیسا را به روی کاتولیک‌ها و حتی همه مردم، بدون سرزنش یا پیش‌داوری درباره زندگی پیچیده‌شان، گشود.

اما اگر جهان فرانسیس را این‌گونه می‌دید، کسانی که در بطن زندگی روزمره بزرگ‌ترین کلیسای جهان و در حباب آن می‌زیستند، پاپی متفاوت را به یاد خواهند آورد؛ یک پاپ متناقض و دمدمی‌مزاج که اغلب نه مانند یک سکان‌دار مطمئن برای کشتی سنت‌پیتر (کلیسای کاتولیک)، بلکه بیشتر به مردی می‌مانست که می‌کوشد اسب سرکشی را که هم‌زمان به هر سو می‌تازد، مهار کند.

اکنون کمتر کسی به یاد می‌آورد که وقتی او در سال ۲۰۱۳ بر بالکن مشهور مشرف به میدان سنت‌پیتر قدم گذاشت، به عنوان پاپی انتخاب شده بود که مأموریتی روشن داشت: نه احیای ایمان، بلکه اصلاح واتیکانی که گرفتار رسوایی و فساد بود.

فرانسیس، موج پس از موج اصلاحات مالی و حقوقی را در واتیکان به راه انداخت، درحالی‌که هم‌زمان آشکارا علیه اصلاح‌گران خود موضع گرفت؛ تا جایی که دوران پاپی او شاهد محکومیت کاردینال آنجلو بچیو، رئیس دفتر سابقش، به جرائم مالی مرتبط با رسوایی ملکی در لندن بود و همچنین برکناری علنی لیبرو میلونه، حسابرسی که مچ او را گرفته بود. اگرچه جرم و جنایت آشکار در واتیکان اکنون بسیار کاهش یافته، اما سریر مقدس (واتیکان) بیش از هر زمان دیگری به یک بحران تمام‌عیار نقدینگی، اگر نگوییم ورشکستگی واقعی، نزدیک است. برای پاپی که اغلب علیه «عالمان شریعت» (قانون‌گرایان خشک) می‌تاخت، طعنه‌آمیز است که ثابت شد یکی از پرکارترین قانون‌گذاران پاپی در تاریخ معاصر است؛ او قانون اساسی واتیکان را بازنویسی و کل قانون مجازات داخلی کلیسا را اصلاح کرد. در عین حال، نشان داد خود یک قانون‌شکن قهار است و اغلب تغییرات قانونی عمده‌ای را که خود وضع کرده بود، نادیده می‌گرفت؛ چه در مسائل جزئی مانند انتخاب مقامات عمدتا تشریفاتی مثل رئیس کالج کاردینال‌ها و چه در مسائل عمده‌ای مانند پیگرد قانونی اسقف‌های مورد علاقه‌اش هنگامی که به آزار جنسی متهم می‌شدند. رسوایی‌های بزرگ سوءاستفاده جنسی با دخالت اسقف‌ها و کاردینال‌ها به برگزاری یک اجلاس جهانی و تصویب قوانین مهم در سال ۲۰۱۹ منجر شد؛ بااین‌حال، هنگامی که دوستان فرانسیس، مانند اسقف آرژانتینی اسکار زانچتا، به جرائم سوءاستفاده جنسی متهم شدند، نه قوانین جدید اجرا شد و نه وعده‌های شفافیت.

برای کسانی که انتظار داشتند فرانسیس پاپی باشد که به قرن‌ها آموزه‌های کلیسا در مورد مسائلی مانند روابط همجنس‌گرایان یا نقش زنان در سلسله‌مراتب کلیسا پایان دهد، او ثابت کرد بازیگری به همان اندازه نمایشی، اما شخصیتی غیرقابل اتکاست. در سال ۲۰۲۳، بخش عقیدتی و درواقع دکترین او، با انتشار مجوزی برای برکت‌دادن (دعای خیر) زوج‌های همجنس‌گرا خبرساز شد. بااین‌حال، هفته‌های بعد را صرف عقب‌نشینی از این موضع کرد و به اشکال مختلف اصرار ورزید که هیچ‌چیز تغییر نکرده است؛ اینکه افراد همجنس‌گرا می‌توانند مورد برکت قرار گیرند، اما این برکت شامل پیوندشان نمی‌شود و اینکه کل کلیسا در آفریقا از این موضوع معاف شده است.

در جریان پروژه کلیدی میراث او، یک «سینود» (همایش اسقفان) جهانی که قرار بود آغازگر «شیوه‌ای نوین برای احیای کلیسا» باشد، فرانسیس اصرار داشت مسائلی مانند انتصاب زنان به مقام کشیشی و کشیش‌های متأهل قابل بحث نیستند؛ در حالی که به شکلی معنادار، این پروژه را به برخی از پرسروصداترین طرفداران این تغییرات سپرد.

فرانسیس در حالی که اغلب به فراخوان شورای دوم واتیکان برای یک کلیسای جهانی‌تر و غیرمتمرکزتر استناد می‌کرد، ثابت کرد غالبا مدیری وسواسی و درگیر جزئیات است؛ تا جایی که به واتیکان اجازه می‌داد بولتن‌های هفتگی کلیساهای محلی را برای یافتن نوع نادرست (بیش از حد سنتی) آیین نیایش مورد بازرسی قرار دهد و جلوی اجرای آن را بگیرد.

در حالی که فرانسیس دیدگاهی مبتنی بر «سینودالیته» (هم‌رأیی و هم‌فکری)، مشورت و همکاری شورایی را ترویج می‌کرد، آماده بود اسقف‌هایی را از سراسر جهان -ظاهرا به دلخواه و بدون روند قانونی یا دلیل مشخص- که از نظر ایدئولوژیک با او همسو نبودند، برکنار کند.

مطلوب‌ترین مفسران فرانسیس مدت‌هاست در او پاپی با توانایی فوق‌العاده در برقراری ارتباط شخصی و استعدادی تقریبا فراطبیعی برای گفت‌وگو با جهان در سطح عاطفی دیده‌اند. امید این بود که دوران پاپی او، در ارزیابی نهایی، به عنوان دوره‌ای برای بازآفرینی و نه انقلاب شناخته شود؛ تنظیم دوباره آموزه‌های کلیسا با ریتم‌های نو. در عوض، او نه یک سمفونی جدید، بلکه آهنگی پرسروصدا و آشوبناک نوشت و کلیسایی را به‌جا گذاشت که از نظر جغرافیایی، الهیاتی و آیینی بیش از دهه‌های گذشته تکه‌تکه شده و واتیکانی که در آستانه ورشکستگی قرار گرفته است.

بسیاری ممکن است اصرار داشته باشند که هنوز برای قضاوت درباره میراث مردی که خود به پرهیز از قضاوت شهرت داشت، خیلی زود است. بااین‌حال، دیگران شاید سخنان او در پاراگوئه در سال ۲۰۱۵ را به یاد بیاورند؛ زمانی که جمعیت را تشویق کرد: «آشوبی به پا کنید، اما بعد کمک کنید تا جمع‌وجور شود». فرانسیس در دوران نزدیک به ۱۲ سال پاپی خود، قطعا آشوبی به پا کرد. اکنون نوبت دیگری است که آن را سروسامان دهد.

گمانه‌زنی‌ها در واتیکان پس از مرگ پاپ فرانسیس

رقابت میان محافظه‌کاران و ترقی‌خواهان برای رهبری کلیسای کاتولیک

شرق: با درگذشت پاپ فرانسیس در ۸۸سالگی، اکنون نگاه جهانیان به این معطوف شده است که چه کسی جایگزین او خواهد شد. پیش‌بینی اینکه چه کسی به عنوان رهبر آینده ۱.۲ میلیارد کاتولیک جهان انتخاب می‌شود، با دشواری‌های فراوانی همراه است. از نظر تئوری، هر مرد کاتولیک غسل تعمید داده شده‌ای می‌تواند به مقام پاپی برسد. اما در عمل، پاپ بعدی به احتمال زیاد از میان کاردینال‌هایی انتخاب خواهد شد که در کلیسای سیستین واتیکان برای انتخابات مخفی پاپ، موسوم به «کانکلیو» (Conclave - انجمن مخفی انتخاب پاپ) گرد هم می‌آیند. پس از کناره‌گیری پاپ بندیکت شانزدهم در سال ۲۰۱۳، کمتر ناظر واتیکانی پیش‌بینی می‌کرد که خورخه ماریو برگولیو از آرژانتین به عنوان پاپ فرانسیس انتخاب شود. این بار هیچ نامزد برجسته‌ای وجود ندارد و این موضوع، بازی حدس و گمان را حتی چالش‌برانگیزتر می‌کند. با این حال، نام‌های بالقوه‌ای به عنوان «پاپابیل» (papabile - نامزدهای احتمالی برای مقام پاپی) در راهروهای واتیکان به گوش می‌رسد. خاستگاه‌های متنوع این افراد، بازتاب‌دهنده گستره وسیع جهانی کلیسای کاتولیک است.

به احتمال زیاد، رقابت اصلی میان ترقی‌خواهانی که از موضع نسبتا لیبرال پاپ فقید در قبال افراد طلاق‌گرفته، هم‌جنس‌گرایان و وضعیت اسف‌بار پناهندگان استقبال می‌کنند و محافظه‌کارانی که از دستور کار او بیزار بودند، در خواهد گرفت.

پیتر اردو

در میان محافظه‌کاران، نام پیتر اِردو، کاردینال مجارستانی و اسقف اعظم استرگوم-بوداپست، به چشم می‌خورد. ادوارد پنتین، کارشناس واتیکان و نویسنده کتاب «پاپ بعدی: نامزدهای برجسته کاردینال»، می‌گوید: «اِردو یک مدعی پیشتاز برای جناح محافظه‌کار کلیساست. مردم او را دوست دارند، زیرا یک متخصص قدرتمند حقوق کلیسا (Canonist) است. او در قوانین کلیسا تبحر دارد... بسیاری از کاتولیک‌ها احساس می‌کنند کلیسا باید از حس بی‌قانونی کلیسایی که تحت رهبری فرانسیس تکامل یافت، بازگردانده شود. اِردو یک گزینه مطمئن خواهد بود».

لوئیس آنتونیو تاگله

در میان لیبرال‌های کلیسای کاتولیک، نام کاردینال لوئیس آنتونیو تاگله اغلب ذکر می‌شود. او که به‌دلیل خوش‌مشربی و دیدگاه‌های ترقی‌خواهانه‌اش «فرانسیسِ آسیایی» لقب گرفته، اهل فیلیپین است و در صورت انتخاب، اولین پاپ آسیایی خواهد بود. او بخشی از فروتنی پاپ فرانسیس را دارد؛ در مدرسه‌ای دینی در فیلیپین که حدود ۲۰ سال در آن زندگی می‌کرد، اتاقش نه تهویه مطبوع داشت و نه تلویزیون. حتی زمانی که اسقف شد، از داشتن خودرو اجتناب کرد و با اتوبوس یا «جیپنی» (نوعی وسیله نقلیه عمومی در فیلیپین) به محل کار می‌رفت.

پنتین می‌گوید: «پنج یا شش سال پیش، او گزینه مورد علاقه پاپ فرانسیس برای جانشینی بود. او رئیس نهاد مهم و جدید واتیکان برای ترویج مسیحیت (dicastery for evangelisation) است... او یک رقیب کاملا قوی است و هنوز نسبتا جوان است».

با این حال، سن او ممکن است علیه‌اش عمل کند. کاردینال‌ها از منصوب‌کردن فردی نسبتا جوان نگران هستند؛ زیرا دوره پاپی او می‌تواند دهه‌ها به طول بینجامد و جاه‌طلبی‌های خودشان را ناکام گذاشته و شانس آنها را برای انتخاب‌شدن در آینده کاهش دهد.

پیترو پارولین

پیترو پارولین، وزیر امور خارجه کنونی واتیکان، که نخست‌وزیر واتیکان هم محسوب می‌شود، نیز به عنوان یکی از نامزدهای اصلی در نظر گرفته شده است. جایگاه او در طول جنگ اوکراین ارتقا یافت؛ زیرا واتیکان خود را به عنوان یک میانجی صادق معرفی کرد که در نهایت می‌تواند با مسکو برای پایان‌دادن به درگیری، وساطت کند. توماس ریس، کشیش کاتولیک آمریکایی و نویسنده کتاب «درون واتیکان»، گفت: «او یک دیپلمات بسیار شایسته است... او مغز متفکر دیپلماسی بین‌المللی پاپ فرانسیس بوده است. هیچ‌گاه قدم اشتباهی برنمی‌دارد».

با این حال، اعتبار او به دلیل یک رسوایی ملکی که در آن واتیکان میلیون‌ها یورو از طریق خرید ناموفق یک نمایشگاه سابق هرودز در لندن از دست داد، لکه‌دار شده است. ریس گفت: «سؤالاتی درباره اینکه آیا او بی‌کفایت بوده یا مسئولیت را به زیردستان واگذار کرده، مطرح خواهد شد. در هر صورت، مشکلی پیش آمده و او رئیس بوده است. یک محاکمه در جریان است، بنابراین این موضوع می‌تواند بر دوره پاپی او سایه افکند».

سایر نامزدها

نامزد دیگر از جناح لیبرال کلیسا، کاردینال خوزه تولنتینو کالاچا دِ مندونسا، که اهل جزیره مادیرا در پرتغال است و توسط پاپ فرانسیس به عنوان رئیس بخشی برای فرهنگ و آموزش منصوب شد. کاردینال ماتئو زوپی، اسقف اعظم بولونیا، یکی دیگر از ایتالیایی‌های حاضر در این رقابت است؛ فردی ترقی‌خواه که گفته می‌شود به پاپ فرانسیس نزدیک بوده است.

پیش‌بینی برنده کاری پرمخاطره است

از زمانی که پاپ فرانسیس در سال ۲۰۱۳ انتخاب شد، او حدود دوسوم کاردینال‌هایی را که واجد شرایط انتخاب پاپ بعدی هستند، خودش منصوب کرده است.

ریس، مورخ کلیسا و ستون‌نویس سرویس خبری مذهب، گفت: «نزدیک به نیمی از کاردینال‌ها اکنون از جنوب جهانی (Global South) هستند. آنها مسائلی دارند که با مسائل اروپا و ایالات متحده متفاوت است. آنها نگران گرمایش جهانی، فقر، جنگ‌های داخلی و فساد در دولت‌ها هستند... تمام سیاست‌ها محلی است. هر کاردینالی می‌خواهد بداند که پاپ بعدی در کشورش چگونه دیده خواهد شد. آیا او کسی است که به من گوش خواهد داد، کسی که زبان مرا صحبت می‌کند؟ آنها ممکن است کاردینالی از جنوب جهانی را انتخاب کنند».

قوانین واتیکان بیان می‌کند که کاردینال‌ها باید هنگام گردهمایی برای رأی‌گیری در کانکلیو، که در داخل کلیسای سیستین برگزار می‌شود، به اکثریت دوسوم آرا دست یابند. در حال حاضر، هیچ نامزد پیشتازی وجود ندارد. متغیرهای بسیاری وجود دارد و فرایند آن‌قدر غیرشفاف است که پیش‌بینی برنده، کاری پرمخاطره محسوب می‌شود. ریس می‌گوید: «دفعه قبل، زمانی که بندیکت شانزدهم استعفا داد، من پیش‌بینی کردم که هیچ راهی وجود ندارد که آنها یک پاپ یسوعی (ژزوئیت) را انتخاب کنند. آنها پیش رفتند و یک پاپ یسوعی را انتخاب کردند. این ثابت کرد که درک ما چقدر ضعیف بود».

آگهی مزایده به صورت اجاره

تعداد دو دستگاه لیفتراک ۱۰ و ۱۵ تن، دو دستگاه لیفتراک ۵ تن و یک دستگاه ریچ استاکر کالمار به بالاترین نرخ پیشنهادی اجاره داده می شود.
تلفن های تماس :
۰۹۱۳۲۰۶۵۵۱۶ و ۰۲۱۸۸۹۸۸۶۵۲

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت اول
انجمن علمی جراحان دهان، فک و صورت ایران
به شماره ثبت ۳۲۱۳۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۸۶۹۲۰

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم پیوسته انجمن علمی جراحان دهان، فک و صورت ایران برای حضور در مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت اول در روز جمعه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۲ از ساعت ۱۵:۰۰ دقیقه بامداد الی ۲۳:۴۵ دقیقه که به صورت مجازی در سامانه انتخابات الکترونیک انجمن های علمی گروه پزشکی به آدرس: https://election.iman-it.ir برگزار می گردد دعوت بعمل می آید.
دستور جلسه: انتخابات الکترونیک اعضای هیات مدیره و بازرس جدید انجمن
هیئت مدیره انجمن علمی جراحان دهان، فک و صورت ایران

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک مرکزی اصفهان
شماره ۴۱۱۴۰۴۰۱۲۴۱۱۲۹۱۱۳۲۶ O
تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۴-۱۱:۲۹
مربوط به درخواست ثبتی شماره ۱۴۰۳۲۱۷۰۲۰۲۳۰۱۳۱۹۵
گزارش شماره ۴۱۱۴۰۴۰۱۲۴۱۱۲۹۱۱۳۲۶ O
آگهی افراز پلاک ثبتی ۲۰۹۷/۶ واقع در بخش ۲ ثبت اصفهان

نظر به اینکه خانم حدیث موجودی فرزند محمود بموجب درخواست وارده به شماره ۱۴۰۳۲۱۷۰۲۰۲۳۰۱۳۱۹۵ - ۱۴۰۳/۰۵/۲۸ تقاضای افراز سهم خود به مقدار ۹۶ سهم مشاع از ۷۹۲ سهم ششدانگ به استثناء بهای ثمنیه اعیانی بلاک ثبتی ۲۰۹۷/۶ واقع در بخش چهار ثبت اصفهان را به طرفیت سایر مالکین مشاعی نموده و اظهار داشته به کلیه مالکین مشاعی پلاک مزبور بنام های خانم طاهره بیگم صفوی زاده و قمر صفوی زاده و سید مهدی صفوی زاده و عبداله چهریان و سید حسین صفوی زاده و بتول صفوی زاده و سید محمد صفوی زاده دسترسی نداشته و آدرس دقیقی از وی وجود نداشته و مجهول المکان اعلام گردیده لذا مراتب به استناد ماده ۳ آیین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع به نامبرده فوق و کسانی که به نحوی در بلاک مذکور ذیحق و ذینفع می باشند ابلاغ می گردد تا راس ساعت ۹ صبح روز ۱۴۰۴/۰۲/۲۶ که جهت معاینه محل و تنظیم صورت مجلس تعیین وقت می گردد در محل وقوع ملک حضور بهم رسانند بدیهی است عدم حضور مالکین مانع از رسیدگی نخواهد بود.
شناسه آگهی: ۱۹۱۵۷۱۳

رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک مرکزی اصفهان
سید اسداله موسوی ۸۳۴

ابلاغ طلاق
آقای محمد حسن الیاسی فرزند محمد علی
به نشانی مجهول المکان

بدینوسیله به اطلاع می رساند همسر شما جهت اجرای دادنامه قطعی به شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۱۳۵۰۱۷۴۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۳۰ صادره از شعبه ۲۸۱ دادگاه خانواده ۲ تهران، به این دفتر خانه مراجعه نموده و تقاضای ثبت طلاق و اجرای رای را دارند. مقتضی است از تاریخ انتشار این اخطاریه حداکثر ظرف ده روز به این دفتر خانه مراجعه فرمائید و در صورتیکه عذر شرعی یا قانونی دارید اعلام نمائید در غیر اینصورت مطابق مقررات اقدام خواهد شد.
محمد صادق رزاق مهر_سردفتر ازدواج ۳۴۸ و طلاق ۴۰ تهران

کارت دانشجویی **اینجانب غزل فرقانی** به شماره دانشجویی ۱۴۰۱۱۱۱۲۰۲۲ ورودی ۱۴۰۱ رشته کارشناسی کاردرمانی دانشگاه علوم بهزیستی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت دانشجویی **اینجانب غزل فرقانی** به شماره دانشجویی ۱۴۰۱۱۱۱۲۰۲۲ ورودی ۱۴۰۱ رشته کارشناسی کاردرمانی دانشگاه علوم بهزیستی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.